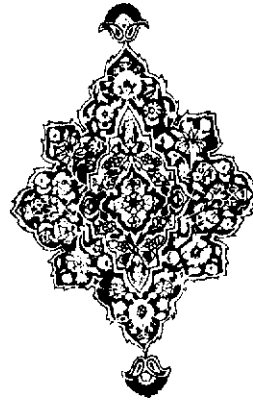


سالشمار آموزشی

هارون بن موسی تلعبیری

(درآمدی بر مشیخه تلعبیری)



◀ سید محمدجواد شبیری

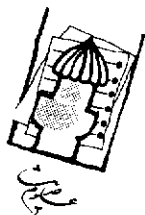
مقدمه

راقم سطور مقاله ای در شرح حال هارون بن موسی تلعبیری محدث نامور امامی (م ۳۸۵) برای درج در دانشنامه جهان اسلام نگاشت. مسئولان محترم دانشنامه چنین صلاح دیدند که قسمتی از این مقاله - که به ذکر جزئیات حیات آموزشی این دانشمند می پردازد - به گونه مستقل انتشار یابد؛ لذا این مقاله تدوین یافت.

گفتمنی است که نگارنده در صدد تنظیم رساله مبسوطی در جمع آوری، بررسی و تحلیل مشیخه هارون بن موسی تلعبیری است؛ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** در این رساله، به تفصیل، درباره مشایخ و اسناد تلعبیری سخن گفته، اختلاطاتی که در برخی از اسناد وی در کتب حدیثی رخ نموده تبیین نموده، از جوانب مختلف درباره مشیخه این دانشمند سخن خواهیم گفت. مقاله کنونی تنها گوشه ای از این رساله را تشکیل داده، که در آن با وجود ارائه اطلاعات بسیار، از ذکر مباحث کاملاً تخصصی خودداری کرده ایم.

مشایخ نخستین

هارون بن موسی تلعبیری از محدث معروف قمی، احمد بن ادریس روایات اندکی



در خانه ابن همام شنیده است.^۱ محمد بن همام رئیس دانشمندان بغداد بوده، و احمد بن ادریس گویا در مسیر سفر خود به حج به بغداد وارد شده، در منزل وی مهمان گردیده است که البته این سفر با مرگ وی در میانه راه به انجام نرسیده است.^۲

ملاحظه مجموع قراین، این حدس را به ذهن می آورد که حضور احمد بن ادریس در بغداد در همان سال وفات وی ۳۰۶ بوده است.

در سندی، روایت تلعبیری از محمد بن جریر طبری آمده است^۳ که به روایتی از حضرت امیر المؤمنین (ع) در بصره مرتبط بوده که ظاهراً مربوط به جنگ جمل است، در مورد این سند این پرسش وجود دارد که آیا مراد از محمد بن جریر طبری، دانشمند معروف عامی مذهب، مؤلف تاریخ و تفسیر و کتب دیگر است یا معاصر امامی مذهب وی صاحب کتاب المسترشد شد در امامت.^۴ مقایسه سند فوق با دو مسند مشابه در تاریخ طبری^۵ - که آنها هم مربوط به وقایع جنگ جمل است - نشان می دهد که استاد تلعبیری همان طبری عامی معروف است. وی در بغداد سکنا گزیده و در این شهر در سال ۳۱۰ در گذشته است.^۶ قهراً تلعبیری از وی در این سال یا پیش از آن حدیث دریافت داشته است.

۱. رجال الطوسی، تصحیح جواد فیومی (از نسخه عکسی مخطوط این کتاب (کتابت سال ۵۳۳) به خط محمد بن سrahنگ هم استفاده شد)، ص ۴۱۱؛ فلاح السائل، ابن طاووس، ص ۱۸۳ و ۲۸۸.
۲. رجال النجاشی، تصحیح آیت الله شبیری زنجانی، ص ۹۲؛ لسان المیزان، ابن حجر، تصحیح: محمد عبدالرحمن مرعشلی، ج ۱، ص ۲۰۲ به نقل از تاریخ ری ابن بابویه (= شیخ متجب الدین).
۳. دلائل الامامة، منسوب به محمد بن جریر بن رستم طبری، ص ۴۷۸. درباره عدم صحت انتساب این کتاب به ابن رستم طبری، ر. ک: قاموس الرجال، به نقل از دلائل الامامة، محمد بن جریر طبری، محقق تستری (چاپ دفتر انتشارات اسلامی)، ج ۹، ص ۱۵۶.
۴. برای جداسازی محمد بن جریر بن یزید طبری عامی از محمد بن جریر بن رستم امامی به ویژه ر. ک: فهرست الطوسی، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبایی، ص ۴۴۶؛ رجال الطوسی، ص ۴۴۹.
۵. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۵۳۲ (نشدة القتال يوم الجمل). در هر دو مسند، حدثنی عیسی بن عبدالرحمن المروزی، قال حدثننا الحسن بن الحسين (العرنی)، قال حدثننا یحیی بن یعلی الاسلمی، سند تا اینجا دقیقاً همان سند دلائل الامامة است.
۶. تاریخ بغداد، چاپ دائرة المعارف العثمانية، ج ۲، ص ۱۶۳ - ۱۶۶.



استاد دیگر تلعهکبری ابوبکر باغندی محمد بن محمد بن سلیمان است^۷ که در سن نزدیک به صد سالگی در سال ۳۱۲ درگذشته است.^۸ وی نیز ساکن بغداد و عامی مذهب بوده است. این اساتید و اکثر اساتید این دوره به روشنی در بغداد می زیسته اند و درباره دیگر اساتید نخستین هم شاهی بر نفی حضور آنها در بغداد نیافتیم؛ لذا ظاهراً تلعهکبری در دهه های نخستین عمر خویش در بغداد بوده و گویا در همین شهر (یا در تلّ عکبرا در نزدیکی بغداد) زاده شده است.^۹

از دیگر اساتید اولیه تلعهکبری، محمد بن جعفر اسدی (م ۳۱۲) است^{۱۰} که تلعهکبری کتاب وی را روایت می کند. وی هرچند ساکن ری بوده،^{۱۱} ولی با توجه به منصب وکالت وی، احتمال حضورش در بغداد برای ملاقات با حسین بن روح نوبختی، وکیل اصلی و سفیر سوم ناحیه مقدسه جدی است.

نخستین تاریخ ثبت شده از حدیث آموزی تلعهکبری سال ۳۱۳ است. در این سال برای وی و پدر و برادرش از محمد بن محمد بن اشعث - که در مصر می زیسته - اجازه روایتی گرفته اند.^{۱۲} اجازه ابن اشعث در سال ۳۱۳ به واسطه محمد بن داود بن سلیمان به

۷. میزان الاعتدال، ذهبی، تحقیق: علی محمد بجای و فتحیه علی بجای، ج ۵، ص ۴۱۲؛ لسان المیزان، ج ۷، ص ۲۴۱.

۸. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۰۹؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، مؤسسه الرسالة، ج ۱۴، ص ۳۸۷.

۹. در رجال الطوسی، ص ۴۲۶ / ۶۱۳۳ در ترجمه ابن ابی الیاس آمده: «روی عنه التلعکبری قال: قدم علينا بغداد ... سمع منه سنة ثلاثین و ثلاثمائة». این عبارت سکناى تلعهکبری را در سال ۳۳۰ ق، در بغداد نشان می دهد.

۱۰. فهرست الطوسی، ص ۴۲۶؛ الغیة، شیخ طوسی، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، ص ۱۴۱.

۱۱. الغیة، ص ۴۱۵ - ۴۱۷؛ کمال الدین، شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، ص ۴۴۲ و ۴۴۸؛ رجال النجاشی، ص ۳۷۳.

۱۲. رجال الطوسی، ص ۴۴۲، البته در عبارت این کتاب در اینجا اختلاف نسخه دیده می شود نسخه چاپی رجال چنین است: «قال التلعکبری، اخذ لی والدی منه اجازة ...»، ولی این عبارت در نسخه بسیار معتبر رجال الطوسی (نسخه ابن سراهنگ) به این شکل آمده: «اخذ لی و لوالدی و لآخی منه اجازة». متن مقاله بر اساس این نسخه تنظیم شده است.



دست تلعکبری رسیده، تلعکبری از این واسطه در این سال، روایات متصل اشعثیات به پیامبر(ص) را شنیده است. وی دیگر روایات این کتاب را - که اندک اند - از ابن اشعث روایت نکرده است.^{۱۳} این امر نشان می‌دهد که محمد بن داود به زمینه‌های غیر حدیثی چندان علاقه‌ای نداشته است.

به گزارش ابن نجار، ابو محمد هارون بن موسی تلعکبری،^{۱۴} از عبیدالله بن الحسین بن علویه بزّاز در سال ۳۱۵ حدیث شنیده، از او با وصف بغدادی یاد کرده و روایتی را از وی در مشیخه خود نقل کرده است.^{۱۵}

محمد بن حسین بن حفص خثعمی (م ۳۱۷)،^{۱۶} دومین استاد تلعکبری است که اجازه وی بدو گزارش شده است. تلعکبری در سال ۳۱۵ و پس از آن از وی حدیث شنیده،^{۱۷} روایات تلعکبری از وی در برخی منابع حدیثی و رجالی گزارش شده است.^{۱۸} تلعکبری از محدث عامی مذهب، ابوالقاسم لغوی عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز روایت می‌کند.^{۱۹} ابوالقاسم لغوی متولد ۲۱۳ بوده، در سال ۳۱۷ با عمری بیش از صد سال بدرود حیات گفته است.^{۲۰} تلعکبری از احمد بن موسی بن العباس بن مجاهد در سال ۳۱۸ حدیث برگرفته

۱۳. رجال الطوسی، ص ۴۴۴ و نیز ر. ک: جامع الاحادیث، جعفر بن احمد قمی ابن رازی، تحقیق: سید محمد حسینی نیشابوری، ص ۷۸.

۱۴. البته در متن ذیل تاریخ بغداد به جای تلعکبری، عکبری ذکر شده که ظاهراً مصحف است.

۱۵. ذیل تاریخ بغداد، ابن نجار، چاپ دائرة المعارف العثمانیة، ج ۲، ص ۳۱ (جلد دوم، ذیل تاریخ بغداد در برخی چاپ‌ها به عنوان جلد هفدهم، تاریخ بغداد و ذیل‌های آن چاپ شده است).

۱۶. رجال الطوسی، ص ۴۴۲. البته خطیب بغدادی در تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۲۳۴، وفات ری را در سال ۳۱۵ دانسته است.

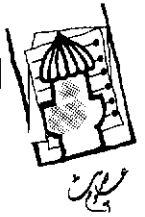
۱۷. رجال الطوسی، ص ۴۴۲.

۱۸. مسلسلات جعفر بن احمد قمی (چاپ شده به همراه جامع الاحادیث، ص ۲۴۳ و ۲۴۴)، مائة منقبة،

ابن شاذان، تحقیق نبیل رضا علوان، ص ۱۱۲؛ فهرست الطوسی، ص ۳۰۸.

۱۹. میزان الاعتدال، ص ۴۱۲؛ لسان المیزان، ص ۲۴۱.

۲۰. تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۱۱۱.



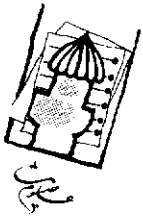
است. ^{۲۱} به گزارش شیخ طوسی تلعبکری در همین سال، ابوالقاسم یحیی بن زکریا کتنجی را - که بیش از صد و بیست سال داشته - ملاقات کرده، و از وی حدیث شنیده است. کتنجی امام عسکری (ع) را ملاقات کرده بود. ^{۲۲}

دیگر اساتید تلعبکری

وی در سال ۳۲۲ از احمد بن محمد بن ابی الغریب - که اجازه روایت محمد بن زکریا غلابی را داشته - حدیث شنیده است. ^{۲۳} او در همین سال تا هنگام وفات ابن ابی الثلج در

۲۱. کفایة الاثر، علی بن محمد قمی رازی خراز، تحقیق: سید عبداللطیف کوه کمری، ص ۱۴۶.
 ۲۲. رجال الطوسی، ص ۴۵۰؛ در الامالی شیخ مفید، تصحیح: علی اکبر غفاری، ص ۲۸۳ / ۹ (= معج ۳۳) این سند دیده می شود: آخرین ابوالحسن علی بن محمد الکاتب، قال حدثنا ابوالقاسم یحیی بن زکریا الکتنجی، قال حدثنی ابوالقاسم داود بن القاسم الجعفری - رحمه الله - قال سمعت الرضا علی بن موسی (ع) یقول ... مصحح کتاب در حاشیه تذکر می دهد که در نسخ به جای یحیی بن زکریا، زکریا بن یحیی ذکر شده و با عنایت به رجال الطوسی، تصحیح شده است، ولی روشن نیست که این راوی همان کسی باشد که در رجال الطوسی ترجمه شده است؛ زیرا ولادت شخصی که در آن کتاب ترجمه شده، باید قبل از سال ۲۰۸ باشد، ولی در سندی در الامالی شیخ طوسی، تصحیح: مؤسسه بعثت، ص ۲۴۵ / ۴۲۶ (= معج ۹ / ۱۸) به نقل از شیخ مفید آمده است: اخبرنا ابوالحسن علی بن محمد البزاز، قال حدثنی ابوالقاسم زکریا بن یحیی الکتنجی ببغداد فی شهر ربیع الاول سنة ثمان و عشرين و ثلاثمائة و كان یذكر ان سنة فی ذلك الوقت اربع و ثمانون سنة، قال: حدثنی ابوهاشم داود بن القاسم بن اسحاق الجعفری قال سمعت الرضا (ع) یقول بنا بر این سند ولادت زکریا بن یحیی باید حدود سال ۲۴۴ باشد، که لا اقل ۳۶ سال پس از ولادت یحیی بن زکریا است؛ لذا شاید زکریا بن یحیی فرزند یحیی بن زکریا کتنجی باشد که به نام جد خود زکریا نام گرفته باشد. البته مکتا بودن هر دو به ابوالقاسم تا حدودی این موضوع را با دشواری رو به رو می کند، ولی این مسأله چندان مهم نیست؛ زیرا مانعی ندارد که پدر و پسر، هر دو، کنیه یکسانی داشته باشند، علاوه بر این که بنا بر نقل الامالی شیخ طوسی، ص ۱۱۰ / ۱۶۸ (= معج ۴ / ۲۲) زکریا بن یحیی مکتا به ابوالحسن است، نه به ابوالقاسم.

۲۳. رجال الطوسی، ص ۴۱۰، در دلائل الامامة، ص ۸۱ / ۲۱ و ص ۸۸ / ۲۴ نیز روایت تلعبکری از این راوی دیده می شود، ولی به جای «الغریب»، «العریب» با عین مهمله ذکر شده است.



سال ۳۲۵ از وی حدیث شنیده است.^{۲۴} به گزارش رجال الطوسی،^{۲۵} علی بن حسین بن بابویه در سال «تساقط نجوم»، به بغداد وارد شده و تلعبیری از وی حدیث شنیده و اجازه تمام روایات وی را دریافت داشته است.^{۲۶} این سال - که نام آن از پدیده‌ای نجومی برگرفته شده - سال ۳۲۳ بوده^{۲۷}، نه سال ۳۲۹.

تلعبیری در سال ۳۲۳ و پس از آن، از حسن بن محمد بن احمد زیدی - که در رمیله بغداد می‌زیسته - حدیث شنیده و از وی اجازه روایت گرفته است.^{۲۸}

تلعبیری و ابن همام

مهم‌ترین استاد تلعبیری محمد بن همام بغدادی است. وی نخستین بار در سال ۳۲۳ از ابن استاد خود حدیث شنیده است.^{۲۹} نکته قابل تأمل در اینجا آن است که تلعبیری هفده سال قبل از این تاریخ، در خانه ابن همام حضور داشته و از احمد بن ادریس حدیث شنیده است. با عنایت به این که تلعبیری و ابن همام هر دو در بغداد می‌زیسته‌اند، چرا حدیث آموزی تلعبیری از ابن همام هفده سال به تأخیر افتاده است؟ پاسخ قطعی این سؤال میسر نیست، ولی این احتمال، جدی است که بحران شلمغانی در جامعه شیعی آن روز بغداد - که ریاست مذهبی آن با ابن همام بوده - مجالی برای وی به جهت نقل روایت باقی نمی‌گذاشته است، بویژه در اوایل دوران صدارت جناب حسین بن روح، ایشان پنج سال

۲۴. رجال الطوسی، ص ۴۴۳.

۲۵. همان، ص ۴۳۲.

۲۶. نیز ر. ک: جمال الاسبوع، ص ۲۸۳.

۲۷. در این زمینه به ویژه ر. ک: مروج الذهب، چاپ شارل پلا، ج ۵، ص ۲۱؛ التنبيه والاشراف،

تحقیق: عبدالله اسماعیل صاوی، ص ۳۳۸؛ نیز ر. ک: قاموس الرجال، ج ۷، ص ۴۳۷؛ فصلنامه

انتظار، شماره سوم، قسمت دوم مقاله نعمانی و مصادر غیبت، ص ۱۹۵ - ۱۹۷.

۲۸. رجال الطوسی، ص ۴۲۲.

۲۹. همان، ص ۴۳۹.



در زندان مقتدر عباسی بوده،^{۳۰} که این امر مسئولیت ابن همام را دو چندان می کرده است. جناب حسین بن روح از زندان، توقیع ناحیه مقدسه (ع) را در سال ۳۱۲ برای محمد بن همام فرستاده است که در آن، حضرت از شلمغانی بیزاری جسته و او را لعن کرده اند. ابن همام این توقیع را برای تمامی شیوخ شیعه خوانده و نسخه هایی هم از آن را برای شیوخ شیعه - که در شهرهای دوردست می زیسته اند - ارسال می دارد. بدین ترتیب، امامیه بر بیزاری جستن از شلمغانی اتفاق نظر می یابند.^{۳۱}

این تلاش ها قهراً تمام اندیشه و فکر محمد بن همام را به خود اختصاص داده، فرصتی برای وی باقی نمی نهاد. با کشته شدن شلمغانی در سال ۳۲۳، زمینه نشر حدیث از هر جهت برای محمد بن همام فراهم آمده، لذا تلعبیری در همین سال از وی حدیث شنیده است.

تلعبیری در دهلیز^{۳۲} منزل محمد بن همام، به پیشنهاد ابن همام از صحبت محمد، خدمتکار امام حسن عسکری (ع) بهره مند شده، ماجراهای جالبی را از حیات آن حضرت از او می شنود.^{۳۳} این ماجرا نزدیکی تلعبیری را به ابن همام می رساند از این مطلب، ترجمه حال محمد بن همام هم برداشت می گردد. پدر ابن همام دست خطی از امام حسن عسکری (ع) دریافت داشته که حضرت سلامتی فرزند وی را در شکم مادر به وی بشارت می دهد. ابن همام این دست خط مبارك را به تلعبیری نشان می دهد.^{۳۴}

۳۰. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، چاپ مؤسسة الرسالة، ج ۱۵، ص ۲۲۳ به نقل از تاریخ الامامیه، ابن ابی طی؛ تاریخ اسلام، نگارش همو، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، ج ۲۴، ص ۱۹۱؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۵۲۳.

۳۱. الغیة، ص ۴۰۸-۴۱۲.

۳۲. کلمه دهلیز به معنای دالان است؛ ولی دهلیز در آن زمان به معنایی شبیه معنای واژه بیرونی به کار می رفته است (ر. ک: نشوار المحاضرة، تحقیق: گورگیس عواد، ج ۲، ص ۳۱۳، حاشیه محقق کتاب).

۳۳. دلائل الامامة، ص ۴۲۸؛ الغیة، ص ۲۱۵؛ رجال الطوسی، ص ۴۴۴.

۳۴. رجال النجاشی، ص ۳۸۰.



تلعکبری، بیش از همه، از محمد بن همام روایت نقل می‌کند. این امر در ۲۲ طریق از طرق فهرست الطوسی به مؤلفان کتب دیده می‌شود.^{۳۵}

در اسناد بی شماری نیز روایت تلعکبری از محمد بن همام مشاهده می‌گردد.^{۳۶}

تلعکبری و ابن عقده

استاد مهم دیگر تلعکبری ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده (م ۳۳۲) است. ابن عقده سه بار، از جمله در سال ۳۳۰ به بغداد وارد شده^{۳۸} و علی القاعده، تلعکبری در همین سال از وی روایت برگرفته است. روایت تلعکبری از ابن عقده در دوازده طریق فهرست الطوسی^{۳۹} و اسناد چندی، بویژه در هنگام نقل روایات

۳۵. فهرست، ص ۲۱، ۱۱۱ و ۱۱۶ و موارد دیگر. روایت تلعکبری از محمد بن همام در آغاز اسناد کتاب زید زراد، ابو سعید عصفری، عاصم بن حمید، جعفر بن محمد حضرمی، محمد بن مثنیٰ حضرمی در طریق به این کتب آمده است (اصول ستة عشر، چاپ حسن مصطفوی، ص ۲، ۱۵، ۲۱، ۶۰، ۸۳ و ۹۳) و در طریق به کتاب سلیم بن قیس هلالی (تحقیق: محمدباقر انصاری زنجانی، ج ۱، ص ۳۱۷، ج ۲، ص ۵۵۶) نیز ذکر شده است.

۳۶. به عنوان نمونه: التهذیب، تصحیح: سید حسن خراسان، ج ۳، ص ۸۷؛ مصباح المتهجد، تصحیح: علی اصغر مروارید و ابوذر بیدار، ص ۴۱۱؛ الامالی شیخ طوسی، ص ۵۹۴ و ۶۱۱؛ الغیبة، ص ۱۳۵ و ۲۶۱، تحریم الفقاع (چاپ شده در ضمن الرسائل العشر، دفتر انتشارات اسلامی)، ص ۲۶۵؛ کامل الزیارات، باب ۷۵ / ۵؛ رجال النجاشی، ص ۷۹؛ کفایة الاثر، تصحیح: سید عبداللطیف کوه کمری، ص ۶۹ و ۲۲۴؛ کنز الفوائد، کراچی، تحقیق: عبدالله نعمة، ج ۱، ص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ دلائل الامامة، ص ۶۲ و ۱۰۴؛ اعلام الوری، طبرسی، چاپ آل البيت، ج ۱، ص ۱۳۳؛ جمال الاسبوع، ص ۴۴۰ و ۵۲۱؛ اقبال، ص ۱۱ و ۳۲۲؛ فلاح السائل، ص ۱۳ و ۹۶؛ بحار الانوار، مرحوم مجلسی، چاپ دارالکتب الاسلامیة، ج ۸۶، ص ۲۲.

۳۷. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۲؛ الرجال، شیخ طوسی، ص ۴۰۹، البته شیخ طوسی در الفهرست، ص ۷۰ تاریخ وفات وی را ۳۳۳ ذکر کرده که نقل الرجال (که پس از الفهرست نگارش یافته) و نقل خطیب بغدادی درست تر می‌نماید.

۳۸. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۸؛ فصلنامه انتظار، شماره ۲، مقالة «نعمانی و مصادر غیبت»، ص ۲۵۳.

۳۹. الفهرست، ص ۳۶، ۸۳، ۱۴۹، ۱۶۷، ۱۷۴، ۲۳۱، ۲۸۱، ۲۹۱، ۳۰۳، ۳۱۶، ۳۲۸، ۵۴۳.



علی بن الحسن بن فضال و حسن بن محبوب دیده می شود. ۴۰

تلعکبری در حیات ابن عقده از فرزند وی، ابو نعیم محمد نیز حدیث شنیده است. ۴۱
مشایخ دیگر تلعکبری به ترتیب سال دریافت حدیث، سال ۳۲۴: محمد بن القاسم
بن زکریا محاربى ۴۲ (م ۳۲۶) ۴۳.

سال ۳۲۵: عیسی بن جعفر علوی معروف به ابن الرضا، ۴۴ علی بن محمد بن یعقوب
کسایى و ۴۵ محمد بن احمد بن حسین زعفرانى مقیم بغداد. ۴۶

سال ۳۲۶: حیدر بن شعیب طالقانی مقیم بغداد، ۴۷ عبدالعزيز بن عبدالله موصلى ۴۸
و برادر وی عبدالواحد- ۴۹ در سندی آمده که تلعکبری از وی در حلب حدیث دریافت

۴۰. التهذيب، ج ۱، ص ۲۶ و ص ۱۲۲ و نیز ر. ک: معجم رجال الحديث، مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم
خویی (چاپ مدینه العلم)، ج ۱۹، ص ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۴۰۸؛ فلاح السائل، ص ۴۹ و ۱۲۱؛ نوادر
الاثر فی علی خیر البشر، تحقیق: سید محمد حسینی نیشابوری (ضمن جامع الاحادیث)، ص ۲۹۷ و
۳۱۱؛ کفایة الاثر، ص ۳۳ و ۴۴؛ دلائل الامامة، ص ۹۵ و ۱۰۹؛ اصل زید نرسی (چاپ شده در
ضمن اصول ستة عشر، چاپ حسن مصطفوی، ص ۴۳)، اصل عبدالملک بن حکیم (چاپ همو) ص
۹۸؛ اصل مثنی بن الولید حنّاط (چاپ همو)، ص ۱۰۲؛ اصل خلاد السدی (چاپ همو)، ص ۱۰۶؛
اصل حسین بن عثمان (چاپ همو)، ص ۱۰۸؛ اصل عبدالله بن یحیی کاهلی (چاپ همو)، ص ۱۱۴؛
اصل سلام بن ابی عمره (چاپ همو)، ص ۱۱۷؛ نوادر علی بن اسباط (چاپ همو)، ص ۱۲۱.

۴۱. رجال الطوسی، ص ۴۴۳.

۴۲. رجال الطوسی، ص ۴۴۲ و نیز یقین ابن طاوس، تحقیق محمدباقر انصاری، ص ۲۷۲.

۴۳. لسان المیزان، ج ۶، ص ۴۶۴.

۴۴. رجال الطوسی، ص ۴۳۱.

۴۵. همان؛ الاختصاص، منسوب به شیخ مفید (که نسبت نادرستی است)، تصحیح: علی اکبر غفاری،
ص ۵۱؛ فلاح السائل، ص ۱۶۷ و ۱۶۸ و نیز ر. ک: فهرست الطوسی، ص ۲۸. درباره سلسله
نسب این راوی و خاندان وی در مقاله «نعمانی و مصادر غیبت» (فصلنامه انتظار، شماره سوم، ص
۱۷۹ تا ۱۷۱) به تفصیل سخن گفته ایم.

۴۶. رجال الطوسی، ص ۴۴۳.

۴۷. همان، ص ۴۲۳.

۴۸. همان، ص ۴۳۱؛ مائة مقبلة، ص ۱۰۹.

۴۹. رجال الطوسی، ص ۴۳۱.



داشته باشد،^{۵۰} که علی القاعده باید در همین سال باشد، عبدالعزیز بن اسحاق زیدی بقال^{۵۱} (۲۷۲-۳۶۳).^{۵۲}

سال ۳۲۶ و ما بعد: علی بن حاتم قزوینی^{۵۳} (زنده در ۳۵۰).^{۵۴}
 سال ۳۲۷ تا ۳۵۵: الحسن بن محمد بن یحیی علوی معروف به ابن اخی طاهر.^{۵۵}
 سال ۳۲۸: احمد بن محمد بن یحیی فارسی،^{۵۶} حسین بن محمد بن فرزدق،^{۵۷}
 سلامة بن محمد ارزنی مقیم بغداد،^{۵۸} محمد بن جعفر علوی ابو قیراط^{۵۹} (م ۳۴۵)،^{۶۰}
 محمد بن العباس معروف به ابن الحجام.^{۶۱}
 سال ۳۲۸ و ما بعد: جعفر بن علی دقاق دوری^{۶۲} (م ۳۳۰)،^{۶۳} الحسن بن محمد بن

۵۰. مهج الدعوات، ص ۱۰۶ در این نام نوعی تشویش در نسخه موجود کتاب دیده می شود و به شکل صحیح در بحار، ج ۹۵، ص ۳۱ / ۲۴۱ نقل شده است.

۵۱. رجال الطوسی، ص ۴۳۲.

۵۲. تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۴۵۸؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۷۸.

۵۳. رجال الطوسی، ص ۴۳۱.

۵۴. فهرست الطوسی، ص ۲۸۵.

۵۵. رجال الطوسی، ص ۴۲؛ فهرست الطوسی، ص ۴۷۷ در ضمن طریق به صحیفه سجاده و نیز در ص ۵۰۵ روایت تلخیصی از جد وی دیده می شود که باید نام ابن اخی طاهر از سند افتاده باشد؛ فتح الابواب، تحقیق حامد الخفاف، ص ۱۹۶.

۵۶. رجال الطوسی، ص ۴۱۱.

۵۷. همان، ص ۴۲۲ و نیز التهذیب، ج ۱، ص ۱۱۷.

۵۸. رجال الطوسی، ص ۴۲۷.

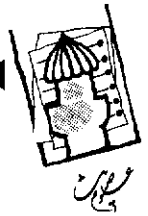
۵۹. همان، ص ۴۴۱.

۶۰. تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۴۶.

۶۱. رجال الطوسی، ص ۴۴۴؛ فهرست الطوسی، ص ۴۲۳.

۶۲. رجال الطوسی، ص ۴۱۹؛ مسلسلات، جعفر بن احمد قمی (چاپ شده در ضمن جامع الاحادیث، تحقیق سید محمد حسینی نیشابوری)، ص ۲۴۶؛ مائة منقبة، ص ۱۰۸؛ کفایة الاثر، ص ۱۱۰.

۶۳. تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۲۲۳.



حمزه علوی طبری مرعشی،^{۶۴} که «بن محمد» در نام وی زاید یا محرف ابو محمد است. تلعبیری در سال ۶۵۳۲۸ در مکانی در کوفه به نام تلعه از علی بن حسن بن قاسم خزاز معروف به ابن طباط (۲۰۳ یا ۲۳۱،^{۶۶} ۳۲۹) و نیز در سال ۳۲۹ از وی حدیث شنیده است.^{۶۷}

سال ۳۳۰: زید بن محمد بن جعفر، معروف به ابن ابی الیاس (م ۳۴۱).^{۶۸} تلعبیری درباره وی گوید که وی بر ما به بغداد وارد شد و در نهر بزازین فرود آمد.^{۶۹} ادامه این ترجمه مربوط به زکار بن یحیی واسطی است که نام وی از نسخه کتاب رجال الطوسی افتاده است.^{۷۰}

سال ۳۳۰ و ما بعد: محمد بن احمد بن مخزوم مقرئ مولی بنی هاشم^{۷۱} - وی بغدادی و متولد ۲۶۸ بوه است -،^{۷۲} محمد بن حسین بن سعید طبری.^{۷۳}

۶۴. رجال الطوسی، ص ۴۲۲؛ و با نام صحیح در فلاح السائل، ص ۱۵۲ و رجال النجاشی، ص ۶۴.
۶۵. ذیل نوادر علی بن اسباط، ص ۱۳۱.
۶۶. در دلائل الامامة، ص ۲۵۲ / ۱۷۶، ولادت وی در سال ۲۳۱ و وفات وی در سال ۳۲۹ ذکر شده است، ولی در ذیل نوادر علی بن اسباط، ص ۱۳۱، ولادت وی در سال ۲۰۳ ضبط شده است.
۶۷. رجال الطوسی، ص ۴۳۱.
۶۸. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۴۴۹، در لقب وی «الیاس» گاه به «الیاس» تحریف می گردد؛ همچون نسخه چاپی رجال الطوسی، ص ۴۲۶. با عنایت به نسخه ابن سراهنگ و تاریخ بغداد تصحیح شد.
۶۹. رجال الطوسی، ص ۴۲۶.

۷۰. پس از کلمه «و له منه اجازة»، این عبارت آمده است: «و كان له كتاب الفضائل روى عنه الحسن بن علي بن الحسن الدينوري العلوي، روى عن علي بن الحسين بن بابويه»، بامقیاسه این عبارت با عبارت فهرست الطوسی، ص ۳۱۴ روشن می گردد که کلمه «روی عن» در این عبارت محرف «روی عنه» است و ضمیر عنه به حسن بن علی دینوری باز می گردد و کل این قسمت مربوط به زکار بن یحیی واسطی است.

۷۱. رجال الطوسی، ص ۴۴۳ و نیز مصباح المتهجد، ص ۷۶۴؛ دلائل الامامة، ص ۹۴؛ در کفایة الاثر، ص ۲۹۴ (اصلاح شده به ص ۲۹۸) به نقل از هارون بن موسی آمده: «حدثنا احمد بن محمد المقرئ مولی بن هاشم في سنة اربع و عشرين و ثلاثمائة في سنة اربع و عشرين و ثلاثمائة» به نظر می رسد وی همین راوی باشد که در نام وی تحریف رخ داده است.

۷۲. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۶۲.

۷۳. رجال الطوسی، ص ۴۴۳.



سال ۳۳۱: احمد بن نصر بن سعید باهلی، معروف به ابن ابی هراسه، که با عنوان احمد بن هوذه هم از وی یاد می شود. ۷۴

سال ۳۳۲: عباس بن علی بن جعفر محمدی علوی. ۷۵

سال ۳۳۲ تا هنگام مرگ استاد: ابوالقاسم علی بن حبشی بن قونی. ۷۶

سال ۳۳۳: در این سال تلعبیری در کوفه در مسجد جامع از علی بن حسن بن حجاج کوفی حدیث شنیده است. ۷۷

سال ۳۳۳ (یا ۳۳۰) و ما بعد: احمد بن محمد السری، معروف به ابن ابی دارم. ۷۸

سال ۳۳۵: احمد بن العباس نجاشی، ۷۹ این استاد، جد نجاشی صاحب کتاب رجال

النجاشی است. به گفته ابن نجار، تلعبیری در مشیخه خود از وی روایت کرده است. ۸۰

سال ۳۳۷: الحسن بن ابراهیم بن عبدالصمد خزاز، ۸۱ علی بن احمد خراسانی

۷۴. رجال الطوسی، ص ۴۰۹؛ الامالی شیخ طوسی، ص ۸۴؛ الفهرست، ص ۱۶؛ مشیخه تهذیب (چاپ شده در پایان جلد دهم تهذیب، تحقیق: سید حسن خراسانی، ص ۸۰ با تصحیف «احمد» به «محمد» در متن نسخه چاپی و به همان شکل در مشیخه الاستبصار (تحقیق همو)، ج ۴، ص ۳۳۴ و به گونه صحیح، در کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۸۴.

۷۵. رجال الطوسی، ص ۴۳۱ و نیز رجال النجاشی، ص ۱۲۰.

۷۶. رجال الطوسی، ص ۴۳۲؛ در معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۰۰ این راوی با کسی که در ترجمه ابراهیم بن محمد ثقفی در فهرست الطوسی، ص ۱۴ آمده و سید مرتضی و شیخ مفید از وی نقل می کنند، یکی دانسته شده که بسیار عجیب است. ابن قونی از مشایخ محمد بن احمد بن داود قمی (م ۳۶۸) است و استاد وی با استاد سید مرتضی که (م ۴۳۶) حدود هفتاد سال پس از ابن داود در گذشته یکی نیست. استاد سید مرتضی همان علی بن محمد بن جیش (که در نام وی اختلاف است که آیا حبش است یا جیش) است که در الامالی شیخ مفید، مج ۸ / ۵، ۹ / ۴، ۱۷ / ۲، ۱۸ / ۶، ۳ / ۳۱، ۲ / ۳۹ به همان طریق فهرست الطوسی به ابراهیم بن محمد ثقفی ذکر شده، کنیه وی ابوالحسن است و کنیه ابن قونی: ابوالقاسم.

۷۷. رجال الطوسی، ص ۴۳۲.

۷۸. همان، ص ۴۱۱، در برخی نسخه ها به جای سال ۳۳۳ سال ۳۳۰ ذکر شده است.

۷۹. همان، ص ۴۱۲.

۸۰. لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۸۹، به نقل از ابن نجار.

۸۱. رجال الطوسی، ص ۴۲۳؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۳۵۹.



حاجب در ماه رمضان.^{۸۲}

سال ۳۴۰: احمد بن محمد [بن محمد] بن سلیمان ابو غالب زراری مقيم بغداد^{۸۳} (م ۳۶۸)،^{۸۴} حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی،^{۸۵} محمد بن علی بن الفضل بن تمام،^{۸۶} ابو جعفر سقاء احوال منجم.

تلعکبری وی را - که امام رضا (ع) را ملاقات کرده - در دسکره الملک (= کوشک یادشاه؟) دیده و توصیف آن حضرت را از وی شنیده است.^{۸۷}

تلعکبری در این سال به مصر رفته و از احمد بن علی رقی^{۸۸} و ابوالقاسم جعفر بن محمد علوی موسوی^{۸۹} حدیث شنیده است. روایت وی از راوی اخیر در سال ۳۴۱ هم ادامه داشته است.^{۹۰}

سال ۳۴۱: وی در این سال نیز در مصر از عبیدالله بن الفضل بن محمد بن هلال (م ۳۴۲)^{۹۱} حدیث شنیده است.^{۹۲}

۸۲. مصباح المتعجد، ص ۷۵۲.

۸۳. رجال الطوسی، ص ۴۱۰.

۸۴. رساله ابو غالب زراری، ص ۱۱۱؛ رجال النجاشی، ص ۸۳؛ در رجال الطوسی تاریخ وفات وی به نحو تردیدی ذکر شده است (۳۶۷ یا ۳۶۸).^{۸۵} رجال الطوسی، ص ۴۲۰ و نیز الفهرست، ص ۱۶۷؛ کفایة الاثر، ص ۷۰ و ۱۳۲؛ جمال الأسبوع، ص ۴۲۰ و ۴۴۶ و با تصحیف حیدر به جعفر در فلاح السائل، ص ۲۸۲.

۸۶. رجال الطوسی، ص ۴۴۳؛ الفهرست، ص ۴۴۶.

۸۷. رجال الطوسی، ص ۴۵۱.

۸۸. همان، ص ۴۱۰ و نیز کفایة الاثر، ص ۷۶ و ۱۰۲؛ دلائل الامامة، ص ۱۰۲.

۸۹. رجال الطوسی، ص ۴۱۹ و نیز دلائل الامامة، ص ۲۳۱ و ۲۹۱ و ۲۹۶.

۹۰. اصل عاصم بن حمید (اصول ستة عشر، ص ۲۱).

۹۱. رجال الطوسی، ص ۴۳۱؛ الفهرست، ص ۳۰۶، در هر دو در نام وی جا به جایی رخ داده، ر. ک.:

رجال النجاشی، ص ۲۳۲ و نیز ص ۵۸ و ۱۵۲؛ فضال الأشهر الثلاثة، شیخ صدوق، تحقیق:

غلامرضا عرفانیان، ص ۳۲؛ کامل الزیارات، ب ۱۷ / ذیل ۹؛ کفایة الاثر، ص ۲۹۴.

۹۲. لسان المیزان، ج ۴، ص ۹۵ که در آن عبیدالله بن عبدالله تصحیف شده است؛ تاریخ الاسلام،

ذمبی، ج ۲۵، ص ۲۶۳.



سال ۳۴۴: الحسن بن محمد بن الحسن سکونی در خانه وی در کوفه. ۹۳

سال ۳۴۵: محمد بن بکران بن حمدان از اهل قم، معروف به نقاش. ۹۴

سال ۳۵۶: احمد بن محمد بن یحیی عطار. ۹۵

سال ۳۶۰: جعفر بن محمد حائری موسوی، ۹۶ عبیدالله بن محمد بن عابد خلّال

بغدادی ۹۷ (م ۳۷۷) ۹۸

سال ۳۶۵: احمد بن جعفر بن سفیان بزوفری. ۹۹

سال ۳۷۰: احمد بن جعفر بن محمد علوی حائری، ۱۰۰ سهل بن احمد دیباجی

بغدادی ۱۰۱ (م ۳۸۰) ۱۰۲

تعیین تاریخ تقریبی تحمل روایت تلعبری از برخی مشایخ دیگر

تلعبری از مشایخ بسیار دیگر هم روایت می‌کند که تاریخ وفات آنها مشخص است. به عنوان نمونه: ابوذر احمد بن محمد بن سلیمان باغندی ۱۰۳ (م ۳۲۶)، ۱۰۴ سعید بن احمد

مرکز تحقیقات کتاب و مکتب اسلامی

۹۳. رجال الطوسی، ص ۴۲۳.

۹۴. همان، ص ۴۴۴.

۹۵. همان، ص ۴۱۰ و نیز فلاح السائل، ص ۱۲۵ و ۲۷۷؛ دلائل الامامة، ص ۳۲۲.

۹۶. رجال الطوسی، ص ۴۱۹ با تبدیل حائری به حیری ر. ک: تهذیب الانساب، ابوالحسن عبیدلی،

استدراک و تعلیق ابن طباطبا، تحقیق محمدکاظم محمودی، ص ۱۶۷.

۹۷. رجال الطوسی، ص ۴۳۳، ظاهراً در نام وی عابد به عائذ و خلّال به خلّال تصحیف شده است. ر.

ک: مصادر حاشیه بعدی.

۹۸. تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۳۶۳؛ تاریخ اسلام، ج ۲۶، ص ۶۱۱.

۹۹. رجال الطوسی، ص ۴۱۰ و به تصحیف سفیان بن سلیمان در لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۱۶ به نقل

از ابن حجر آمده است، نیز ر. ک: رجال النجاشی، ص ۱۳۲.

۱۰۰. رجال الطوسی، ص ۴۰۹.

۱۰۱. همان، ص ۴۲۷. ۱۰۲. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۱۲۱؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۳۲.

۱۰۳. کفایة الاثر، ص ۱۴۶.

۱۰۴. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۸۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۲۶۸.



بن موسی العرّاد^{۱۰۵} (م ۳۲۶)، احمد بن محمد بن اسماعیل مقری^{۱۰۷} (م ۳۲۷).^{۱۰۸}
 تلعبیری یکی از راویان محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۸ ق ۱۰۹ یا ۱۱۳۲۹) است.^{۱۱۱}
 کلینی در سال ۳۲۷ در بغداد بوده و در این سال برخی از محدثان از وی حدیث شنیده‌اند.^{۱۱۲}
 شاید تلعبیری در همین سال یا حوالی آن از شیخ کلینی حدیث دریافت داشته است.
 یکی از مشایخ تلعبیری احمد بن محمد بن جعفر صولی است^{۱۱۳} که در سال ۳۵۲ یا
 ۳۵۳ به بغداد وارد شده و برای مردم حدیث نقل کرده است^{۱۱۴} و علی القاعده، باید
 تلعبیری در یکی از این دو سال از وی حدیث آموخته باشد.

تلعبیری از شیخ صدوق روایت می‌کند.^{۱۱۵} شیخ صدوق سفری به بغداد داشته و
 علی القاعده، در این سفر تلعبیری از وی حدیث اخذ کرده است. شیخ صدوق در سال
 ۳۵۲ در بغداد بوده^{۱۱۶} و حضور وی در سال ۳۵۵ هم در بغداد گزارش شده^{۱۱۷} که درستی
 آن محل تردید است.^{۱۱۸}

۱۰۵. رجال النجاشی، ص ۸۰ با تبدیل العرّاد به الفرّاد.

۱۰۶. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۱۰۷.

۱۰۷. رجال الطوسی، ص ۴۱۲.

۱۰۸. تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۸۹؛ تهذیب الکمال، مزی، تحقیق بشار عواد معروف، ج ۱، ص ۲۷۰.

۱۰۹. فهرست الطوسی، ص ۳۹۳.

۱۱۰. رجال النجاشی، ص ۳۷۷؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹، با توجه به تاخر رجال از الفهرست و نقل

رجال النجاشی، تاریخ ۳۲۹ صحیح تر به نظر می‌رسد.

۱۱۱. رجال الطوسی، ص ۳۹۵؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۷۳؛ مشیخة التهذیب، ج ۱، ص ۱۳؛ مشیخة

الاستبصار، ج ۴، ص ۳۰۸؛ الکافی، ج ۶، ص ۲۰۲ (که از افزوده‌های نسّاح است).

۱۱۲. مشیخة التهذیب، ص ۲۹؛ مشیخة الاستبصار، ج ۴، ص ۳۱۰.

۱۱۳. دلائل الامامة، ص ۹۱ و ۹۴، رجال الطوسی، ص ۷۵.

۱۱۴. الامالی، مفید، ص ۱۶۵؛ رجال النجاشی، ص ۸۴؛ الفهرست، ۱۶.

۱۱۵. رجال شیخ صدوق، ص ۴۳۹.

۱۱۶. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۹.

۱۱۷. رجال النجاشی، ص ۳۸۹.

۱۱۸. برای تفضیل بحث در این زمینه ر. ک: چهار مقاله درباره شیخ مفید، چاپ شده در ضمن مجموعه

مقالات و رسائل کنگره هزاره شیخ مفید، شماره ۵۵.